جزیره‌ی جیغ‌ها بالا

علی‌آقا واحد

بیریانه سن، بیر یانه من!

اولمرشام ای گول، جمالین شمعینه پروانه من
عشق ترکین قیلمارام اود ایچره یانه – یانه من
چرخ خیال زولفایله مجنون اولانلار گؤرمرشم
گؤرمه‌دیم علمده اؤز کؤنلوم کیمی دیوانه من
غمزه‌ی پیکانین دریغ اتمه دل عشاقدان
سینه‌می قیلام هدف اول ناوک مژگانه من
یلمه‌دیم بیگانطر ای گول، نه سنحر اتمیش سنه
دوشمرشم گؤزدن یلینداً، اولمرشام بیگانه من
شیشه‌تک سینمیش، اشیتدیم، خالیرین مندن گولوم
سؤیله‌دیم، گزمه رقیبیمله سنه ارکیانه من
یار ایله اولسام اگر بیر گوشه‌ی ویرانه‌ده
کافرم وئرسم بو بزمی روضه رضوانه من
کؤنلومو سن زولفایله، من آهیم‌ایله سئوگیلیم
دارتیریق دیوانه‌تک بیر یانه سن، بیر یانه من
نازنین، گول اوزلو جانانلاردیر عشقین لذتی
نئیله‌ییم، بس گلمه‌ییم بولبول کیمی افغانه من
دلگشا مه‌پارطر زولفوندن آچام کؤنلومو
وئرمه‌رم واحد، او گولدن باشقا بیر جانانه من

ادامه از همین صفحه...

ولی رو به جلو چشم پوشید این استاد جامعه‌شناسی می‌گوید از بازگشت امید و اعتماد به این جامعه دوم ناامید نیست. او امیدوار است میزان مشارکت بالای ۵۰ درصد و حتی تا ۶۰ درصد برسد. اگر در دو هفته آینده یخ شرکت در انتخابات شکسته نشود و آن‌ها که می‌خواهند رای بدهند، این تصمیم را با صدای بلند اعلام نکنند، مشارکت به دشواری می‌تواند بالای پنجاه درصد برود. هنوز احتمالات زیادی وجود دارد مناظرات شروع نشده، ولی فضا هم به این سادگی تغییر نمی‌کند. اما حتی اگر شگفتی هم در این انتخابات شکل نگیرد، همین که تغییر سیاسی در ایران دموکراتیک باشد و مردم احساس کنند نماینده‌ای در میان نامزدها دارند، نکته مهمی است که باید پایش بایستیم.

تقی آزاد ارمکی استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران با بیان اینکه جامعه ایرانی «جامعه بی‌اعتنا و عبور کرده از نظامی سیاسی» است، می‌گوید: هنوز این ویژگی سرجایش است و این استدلال را تکرار می‌کند. مردم می‌گویند رای نمی‌دهیم. البته همین‌ها ممکن است روز آخر رای بدهند، اما داوری کلی این است که نظام سیاسی نمی‌تواند چیزی را حل کند و بنابراین ما مشارکت نمی‌کنیم.

آزاد ارمکی می‌گوید: آنچه احتمالا در حال وقوع است این است در حوزه سیاسی، دوگانه طرفداران وضعیت موجود و تغییر وضع موجود ایجاد شود. یعنی پزشکیان بتواند نماینده تغییر شود و بقیه کاندیداها طرفدار استمرار وضع موجود، احتمالا جامعه برای تغییر حساس می‌شود و از کاندیدای تغییر حمایت خواهد کرد. جامعه انتظار تغییر دارد. در این ۱۵ ساله همیشه دنبال تغییر بوده است. او در پاسخ به این سوال که آیا اعتماد مردم می‌تواند در این دوگانه مدنظر شما، به نهاد انتخابی دوباره جلب شود؟ می‌گوید: این قضاوت عرض نمی‌شود، چون هنوز کنترل و نظارت هست، اما یک جوری احساس انتقام ایجاد خواهد شد که برای به میدان آمدن کافیست، اما چنانچه تغییر انجام بشود اعتماد حاصل می‌شود و اگر نشود، اعتراض کنند. این اتفاق قبلاً هم در دوره‌های مختلف رخ داده است. در دوره احمدی‌نژاد و خاتمی مشابه همین اتفاق افتاد. با این حال مشکل نهاد انتخابی حل نمی‌شود مگر اینکه در نهاد انتخابی، نماینده مردم باشد نه نماینده حاکمیت.

آزاد ارمکی می‌گوید اینکه جامعه احساس کند در این دوره پزشکیان نماینده تغییر وضع موجود است، نیازمند کار روشنفکران و فضای عمومی است. به نظر من این صدا در حال تولید شدن است و خود این فرد هم تولدایی ایجاد چنین فضایی را دارد، چون می‌گوید ما مقصریم و باید نلبرلی‌ها را کم کنیم.

این استاد جامعه‌شناسی تاکید کرده نیاز مردم در حال حاضر بهبود وضعیت زندگی، تنظیم رابطه جدید با جهان و انسجام اجتماعی است. دولت رئیسی به این‌ها بی‌اعتنا بود و توزیع حاکمیت و اقتدارگرایی در دستور کارش بوده.

آزاد ارمکی می‌گوید: جامعه باید حس کند اوضاع تغییر می‌کند. در جریان دوم خرداد همین اتفاق افتاد زمانی که هاشمی آمده بود و کل نظام بحث نظم و ثبات و استقرار بود و بخش پنهان جامعه دچار بی‌اعتنایی و عدم مشارکت شده بود، جریانی برای تغییر شکل گرفت و مشارکت ۷۰ درصدی را شاهد بودیم. مدل بی‌اعتنایی مردم در آن دوران جنبه عدم‌اعتراض داشت، اما الان این بی‌اعتنایی همراه با اعتراض هم هست. اگر کسی بتواند اعتراض و بی‌اعتنایی با به رسمیت بشناسد می‌تواند نماینده این قشر باشد. وی ابراز امیدواری کرده و گفته: در این دوره به نظر می‌رسد پزشکیان این استعداد را دارد که این قشر را نمایندگی کند. اگر مردم احساس کنند خواسته‌هایشان در دستور کار است قانع می‌شوند. ما چاره‌ای جز این نداریم در غیر این صورت در فرآیند فروپاشی قرار خواهیم گرفت.

آیا پزشکیان می‌تواند بخش قهر کرده جامعه را پای صندوق بیاورد؟

در انتخاباتی که قرار است به زودی به دلیل درگذشت ناگهانی رئیس جمهور برگزار شود، اوضاع تغییر کوچکی کرده است. یک کاندیدا در بین ۶ کاندیدا می‌تواند نماینده بخشی از جامعه قهر کرده با صندوق رای شود، اما آیا حضور او برای آشتی این قشر کافیست؟ دو جامعه‌شناس به این سوال پاسخ داده‌اند.

جریان اصلاحات (یا دست کم بخش مهمی از آن) که در سال‌های اخیر از صندوق رای ناامید شده بود پیش از انتخابات سه کاندیدای اصلی خود را معرفی کرد و اعلام کرد در صورت عدم تایید صلاحیت این سه کاندیدا، در انتخابات مشارکت نخواهد کرد. در کمال تعجب یکی از این سه کاندیدا تایدصلاحیت شده است. سوال اینجاست که آیا این وضعیت برای قانع کردن مردم جهت آشتی با صندوق رای کافیست؟

دو استاد علوم اجتماعی دانشگاه تهران به این سوال پاسخ داده‌اند. محمدرضا جوادی یگانه دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران معتقد است جامعه ایران «دوجامعه‌ای» شده و معنای آن این است که بخشی از جامعه، عاملانه و به میل خود، صندوق را رها کرده و دیگر رای نمی‌دهد.

جوادی یگانه استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران در گفتگو با رویداد ۲۴ می‌گوید: انتخابات، به ویژه انتخابات ریاست جمهوری، یکی از مهمترین دستاوردهای جمهوری است. خواست مردم از دوره مشروطه این بوده که حاکمانشان را خودشان انتخاب بکنند. به گفته این استاد جامعه‌شناسی، کاهش شدید مشارکت در سه انتخابات اخیر، موضوع نگران‌کننده‌ای است و برایش دلایل متعددی وجود دارد. او می‌گوید: مهمترین دلیل این بود که بخشی از جامعه که به امید تغییر رای می‌دادند، از اینکه تغییری ممکن بشود یا اینکه کاندیداها بتوانند نماینده این تغییرات باشند، ناامید شدند.

او از تعبیر «دوجامعه‌ای شدن جامعه ایران» حرف زده و می‌گوید: این یعنی بخشی از جامعه عاملانه و به دست خود، نظام سیاسی را

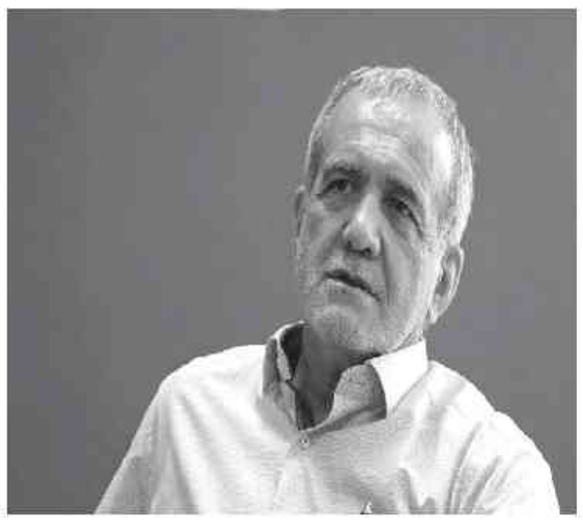

موجود را رها کرده و دیگر رای نمی‌دهد.

او به یک بهبود و افزایش میزان مشارکت را در انتخابات مجلس نسبت به ریاست جمهوری ۱۴۰۰ اشاره کرده و تاکید کرده «منظور فقط درصد رای نیست»، بلکه امید به امکان تغییر هم هست، و این بهبود مشارکت لااقل در شهرستان‌ها رخ داده و چند درصدی از مردم رای داده اند، اما این ناشی از فرق انتخابات مجلس و ریاست جمهوری بوده است.

کماکان برآوردها در مورد مشارکت در انتخابات پایین است

جوادی یگانه می‌گوید: کماکان برآوردها در مورد مشارکت در انتخابات چیزی حدود ۵۰ درصد یا اندکی پایینتر یا بالاتر از ۵۰ درصد است. فضای سیاسی بعد از درگذشت مرحوم ابراهیم رئیسی و گفتگوی سیاسی به دلیل ناگهانی شدن انتخابات در افکار عمومی شکل نگرفته است.

این استاد جامعه شناسی با بیان اینکه درصدی از جامعه، به صورت سنتی رای می‌دهند و پایگاه رای شان مشخص است می‌گوید: کسانی که در این دوره‌ها رای نداده‌اند و عدم‌مشارکت آنها نرخ مشارکت را پایین آورده، نوعا ناراضی‌اند، از کسانی که به آنها رای داده اند، یعنی اصلاح‌طلبان، که به وعده‌هایی که داده‌اند عمل نکرده‌اند. این‌ها حس می‌کنند از اعتمادشان سو استفاده شده است.

او در یک تقسیم‌بندی بسیار کلی می‌گوید: در میان کسانی که رای می‌دهند هم اصلاح‌طلب داریم هم اصولگرا. قاعدتا همه اصولگرایان رای خواهند داد. اما در همین تقسیم‌بندی کلی، تعداد زیادی از اصلاح‌طلبان هنوز متمایل به رای دادن نشده‌اند و تردید دارند که اصلاح از طریق صندوق ممکن باشد. برخی بنا بوده به احمدی‌نژاد رای بدهند و اگر جایگزین مناسبی برای او در این شش نامزد پیدا نکنند رای نخواهند داد و البته نزدیک به سی درصد جامعه، جزو جامعه دومی شده‌اند که راهشان را جدا کرده‌اند و به احتمال زیاد رای نخواهند داد. این آرایش اصلی مردم در برابر صندوق رای است.

جوادی یگانه درباره تفاوت انتخابات پیش رو با سه انتخابات اخیر، در پاسخ به این سوال که آیا قشری که با صندوق قهر کرده بودند امروز می‌توانند حضور یک کاندیدای متفاوت در بین ۶ کاندیدا را جدی تلقی کنند، می‌گوید: ما اطلاعات آماری روشنی در باره کسانی که رای نمی‌دهند و دلایل رای ندادن آنها نداریم، یعنی همانها که در نظرسنجی‌ها حاضر به پاسخ‌دادن نمی‌شوند و درصدشان هم کم نیست؛ بنابراین برای پاسخ به این سوال باید در ارزش‌ها و نگرش‌ها و تمایلات این بخش دل کنده از فضای سیاسی، که جامعه دوم هستند، تمرکز کنیم.

این استاد دانشگاه در ادامه می‌گوید: اصلاح طلبان قبل از اعلام نام نامزدهای تایید صلاحیت‌شده، سه نامزد معرفی کرده بودند که یکی از آنها تایید شده؛ پس این انتخابات دیگر بحث روزنه نیست و یک کاندیدا دارند. با این حال جریان اصلاح‌طلبی بخش مهمی از سید رایش در سه انتخابات اخیر را از دست داده و اصلاح‌طلبان باید بتوانند این‌ها را برگردانند. دلیل رای ندادن آنها این است که می‌گویند این‌ها وعده می‌دهند و عمل نمی‌کنند یا اصولا نمی‌توانند عمل کنند. مردم باید باور کنند که باید از فضای انتخابات دفاع کنند. بپذیریم که اصلاحات یک روند تدریجی است و ناگهانی و دفعتا محقق نمی‌شود. هر بهبود و پیشرفتی تدریجی است، آزادی را دیگران نمی‌دهند و باید آن را کسب کرد، ولی بخاطر یک تغییر آرمانی، نباید چشم از تغییرات اندکی، ...

ادامه در همین صفحه

تاریخ گردی

سعید نفیسی ادیبی که نوشتار آکادمیک در ایران را بنیان گذاشت

رویداد ۲۴ نوشت: «ایران هنوز مانده است و ایرانیان خود بهتر از همه می‌دانند که باز هم خواهند ماند... ایران بی حوصلگی و شتابزدگی و سبکسری در برابر حوادث ندارد... حرکت مذبوح نمی‌کند و ظاهرا سر تسلیم پیش می‌آورد، اما در باطن از اندیشه خود و آرزوهای خود دست برنمی‌دارد و با آنکه ظاهرا برنیار و ناتوان‌نماست در باطن مصر و پایدار است. توانایی شگرفی در صبر و حوصله خویش اندوخته است. اگر امروز نتوانست فردا و اگر فردا نشد پس‌فردا سرانجام کار خود را میکند و روزی بر دشمن بدخواه چیره می‌شود و کینه‌ی دیرین را اگر هم سال‌ها بگذرد باز روزی می‌ستاند.»

سعید نفیسی

سعید نفیسی از مهمترین چهره‌های ادبی و فرهنگی معاصر ایران است که خدمات ارزنده‌ای به فرهنگ و ادب ایرانیان کرد. وی از پرکارترین و معروفترین نویسندگان ایران معاصر است که تالیفاتش به ۲۵۰ کتاب و رساله می‌رسد و تعداد مقالاتش به بیش از ۱۰۰۰ عدد می‌رسد.

سعید نفیسی، فرزند علی اکبر خان ناظم الاطبا و از نوادگان حکیم برهان‌الدین نفیس بود. وی در ۱۸ خرداد ۱۲۷۴ در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه «شرف» و تحصیلات متوسطه را در مدرسه «علمیه» گذراند. نفیسی را می‌توان شاگرد خلف فروغی دانست. وی در دوران جوانی شاگرد محمدعلی فروغی بود و بیشترین تاثیر را از فروغی گرفته بود. نفیسی در پانزده‌سالگی برای ادامه تحصیل به اروپا رفت و در سوئیس و فرانسه به تحصیل پرداخت.

نفیسی در سال ۱۲۹۷ به ایران بازگشت و در دبیرستان‌های

«اقدسیه» و «سن‌لویی» تهران به تدریس زبان فرانسه پرداخت و همچنین در سال‌های بعد به مدارس «علوم سیاسی»، «دارالفنون»، «عالی تجارت» و «صنعتی» راه پیدا کرد. سپس در وزارت فواید عامه مشغول به کار شد. نفیسی از بدو بازگشت به ایران، به گروه نویسندگان مجله «دانشکده» پیوست و مدت یک سال با آن مجله همکاری کرد. تسلط و چیرگی او به ادبیات و زبان‌های مختلف باعث شد به زودی دانشگاه‌های معتبری در کلکته، بیروت و قاهره از وی برای تدریس دعوت کنند که نفیسی نیز پذیرفت و در هر کدام از آنها مدتی را به تدریس و پژوهش اختصاص داد.

او نخستین استاد ادبیات ایران بود که شهرتی ورای مرزها پیدا کرده بود و همین باعث شد در سال ۱۳۰۸ به عضویت فرهنگستان ایران درآید. همچنین سفرهایی به کشورهای افغانستان، مصر و لبنان کرد و در دانشگاه‌های کابل، قاهره و سن‌ژوزف به تدریس پرداخت. در ۱۳۴۰ در رادیو برنامه «یادداشتهای یک استاد» را که رایج به شرح حال چند تن از بزرگان علم و ادب بود، به مدت دو سال اجرا کرد.

نفیسی با آثار متعدد و تربیت شاگردان فروان، موفق شد نشر نوین دانشگاهی ایران را پدید آورد که مشخصه آن وضوح و سادگی توامان بود که از نثر متکلف پیشین فاصله می‌گرفت. این نوآوری کاملا مطابق نیازهای زمانه بود؛ نیازی که از زمان مشروطه احساس می‌شد و آن عبارت بود از آفریدن نوع نوشتار مدرن که با تحولات پرشتاب عصر مدرن پیش برود و متحول شود.

وی در نگارش سبک ویژه‌ای داشت. از تکلف و تصنع دوری می‌جست. او اندیشه خود را چنان ساده بیان می‌کند که عبارات او از هر گونه پیچیدگی دوراست و به جای زیورهای بیهوده لفظی، از استحکام دستوری بهره می‌گیرد. از این رونفیسی را معمار نثر جدید معاصر ایران نامیده‌اند و این تبحر و چیرگی، ناشی از احاطه کامل وی به زبان‌های یونانی، لاتین، فرانسه، روسی، اردو، پشتو، عربی و فارسی است. نفیسی همچنین به زبان‌های اروپایی تسلط داشت و بسیاری از آثار بزرگ ادبی را به فارسی ترجمه کرد. ترجمه‌های او نخستین برخورد ایرانیان با بسیاری از این آثار و نویسندگانشان بود. آثار پوشکین، تولستوی، هومر، ماکسیم گورکی و بلزاک از آن جمله هستند.

استاد نفیسی یک عاشق کتاب به معنای واقعی بود. بیشتر درآمد خود را صرف خرید کتاب می‌کرد و اغلب اوقاتش در کتابخانه می‌گذشت. این علاقه به حدی بود که در ماجرایی درباره او گفتند که حدود هشتاد کتاب از کتابخانه مجلس سرقت کرد.نفیسی بسیار پرکار بود و آثار فراوانی نشر داد. صادق رضازاده شفق درباره وی می‌گوید: «من در تمام مدت شناسایی او حیران کار و کوشش او بودم. می‌توانم بگویم که در همه عمر مردی در کتاب‌دوستی و مطالعه و فراوان‌نویسی و کنجکاوی ادبی مانند او ندیدم... در عین فراوان‌نویسی تندنویس هم بود و اگر قلم برمی‌داشت مدتی نگذشته مقاله‌ای وافی و مطالبی کافی به رشته تحریر می‌کشید... در هر صورت این‌گونه شریخشی حیرت‌آور از نفیسی عجب نیست و در این کار هیچ‌یک از نویسندگان و مؤلفان زمان ما به پایه او نمی‌رسد و باید او را از حیث تعداد آثار با امثال یاقوت حموی یا ابوعلی سینا یا غزالی، و از متاخرین با مولف ناسخ‌التواریخ مقایسه کرد.»

وی آثار متعددی در زمینه تاریخ و ادبیات خلق کرد و او را می‌توان به تنهایی یک فرهنگستان ادبی دانست. براساس آنچه در سایت میراث فرهنگی آمده، "استاد نفیسی دل در گرو عشق به زبان و فرهنگ فارسی داشت و در ۵۶ دانشگاه در چهار قاره دنیا درباره این مهم سخنرانی و تدریس نمود. در این راستا، کرسی زبان فارسی در دانشگاه کلمبیا به نام «استاد سعید نفیسی» نامگذاری شده‌است.» وی در پایان عمر که به اجبار بازنشسته‌اش کرده بودند به پاریس مهاجرت کرد و اوضاع مالی‌اش به قدری بد شد که مجبور شد کتاب‌هایش را به فروش بگذارد.

سعید نفیسی در ۲۳ آبان سال ۱۳۴۵ زمانی که برای شرکت در کنگره ایرانشناسی به تهران آمده بود، درگذشت.

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم نسرین کاروانی برابر درخواست وارده بشماره ۱۴۰۳۲۱۷۰۴۰۰۵۰۰۴۰۳۶ - ۱۴۰۳/۰۳/۲۰ ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده اند که سند مالکیت ششدانگ خانه به شماره پلاک ۲۸۴۴ فرعی از ۱ اصلی واقع در زنوز بخش ۲۲ تبریز بشماره دفتر الکترونیک ۱۳۹۶۲۰۳۰۴۰۰۵۰۰۳۱۲۵ که بنام نامبرده ثبت و سند مالکیت آن صادر و تسلیم گردیده است. بعداً سند اولیه پلاک فوق الذکر به علت جابجایی مفقود شده و نامبرده درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده است. لذا مراتب به استناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این آگهی بمدت ۱۰ روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد. تاریخ انتشار : ۱۴۰۳/ ۰۳/۲۷

مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مرند - محرم کنعانی

دین و اندیشه

احرام و تکبیرة الاحرام

هرگاه سخن از حج به میان می‌آید، زائرانی با لباس احرام در تصور انسان نقش می‌بندد که در حال گشتن به دور خانه خدا هستند و برخی این احرام را با تکبیرة الاحرام نماز مقایسه می‌کنند.

اولین عمل واجب در مناسک حج و عمره، احرام است. احرام مصدر باب افعال، به معنای تحریم نمودن و ملزم کردن خود به ترک امر و یا اموری است. در لغت نامه دهخدا آمده است «احرام به کسر همزه، در لغت به معنی منع آمده و شرعاً حرام کردن پاره ای از امور و واجب ساختن امور دیگری، هنگام گذراندن حج است». همچنین گفته شده احرام به معنی داخل شدن در حرم یا حرام نمودن چیزی بر محرم است. احرام در اصطلاح نیز به عمل خاصی گفته می شود که دارای سه جزء است. یکی پوشیدن جامه احرام، دوم نیت حج یا عمره و سوم تلبیه (گفتن لبیک اللهم لبیک) با احرام برخی از چیزهایی که قبل از حج و عمره بر انسان حلال بوده، حرام می شود و چیزهایی که قبلاً هم حرام بوده اند، بعد از احرام حرمت شان مؤکد می گردد.

حکمت احرام

امام رضا (ع) فرمود «مردم مامور شده اندکه احرام ببندند، تا پیش از ورود به حرم امن الهی، خشوع پیدا کنند و به چیزی از کارهای دنیا و زینت‌ها و لذت های آن سر گرم و مشغول نباشند و در راه آن چه که به سوی آن آمده اند، شکیبا باشند و با همه وجودشان رو به خانه خدا آورند. به علاوه در احرام، بزرگداشت خدای متعال و خانه او و فروتنی برای حاجیان است، وقتی که می خواهندبه سوی خدا بروند و بر او وارد شوند، در حالی که به پاداش او امیدوارند، از کیفرش بیمناک و به سوی او روانند، و با فروتنی و تواضع و خضوع، روی به سوی او می کنند.»

احرام در نگاه شهید مطهری

در گزیده ای از یادداشت های شهید مطهری (ره) سه نکته درباره حج آمده که نکته احرام آن اینگونه است: لباس در قسمت های سادگی و

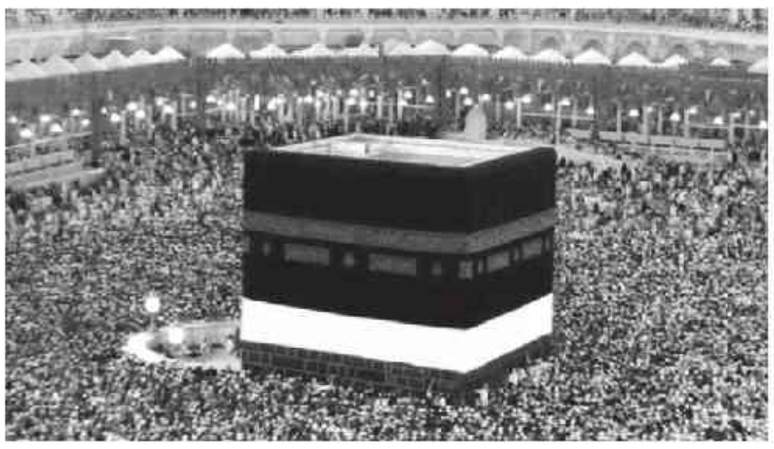

بی رنگی و بی نشانی، محو رنگ‌ها و شکل های لباس ها، برای یک مدت موقت هم که شده، همه مردم از درجه دار و غیر درجه دار، نشاندار و غیر نشان دار، نرپوش و کهنه پوش، همه را در یک لباس جمع کرده است. گاهی اتفاق می افتد که افراد را در یک جمع واحد دعوت می کنند و می خواهند همه را در یک لباس حاضر کنند، آقایان با فلان لباس و خانم‌ها با فلان لباس، خدا مردم را دعوت کرده با یک لباس رسمی به حضور بیایند. آن، ساده ترین و بی رنگ و شکل ترین آنها را انتخاب کرده است. اسلام با این وسیله شکل یکرنگی و وحدت ایجاد می کند.

احرام حج و تکبیرة الاحرام نماز

علامعلی حداد عادل در کتاب حج؛ نماز بزرگ می نویسد: احرام را آغاز نماز بزرگی نامیده اند؛ مگر نه این است که نمازهای واجب هر روز خود را با تکبیرة الاحرام آغاز می‌کنیم. آیا هرگز از خود پرسیده ایم، چرا به آن «الله اکبر»ی که نماز را با آن آغاز می کنیم، تکبیرةالاحرام می گویند و آیا شباهتی میان آن احرام و این احرام وجود دارد؟

پاسخ این است که اولا ما با گفتن تکبیرةالاحرام در نماز، قدم به آستانه نماز می گذاریم و به یک معنی در آنجا هم مُحرم می شویم. در طول نماز کارهایی را بر خود حرام می کنیم؛ چیزی نمی خوریم؛ روی از قبله برنمی گردانیم؛ با صدای بلند نمی خندیم؛ حرفی غیر از آنچه در نماز می توان گفت بر زبان نمی آوریم؛ قسمت هایی از بدن را می پوشانیم و این حرمت‌ها را تا پایان نماز حفظ می کنیم و این حریم را نمی شکنیم. اینجا هم همینطور است، ما با احرام حج نیز مانند احرام نماز کارهایی را بر خود حرام می سازیم؛ با این تفاوت که محدوده زمانی نماز چند دقیقه است و محدوده زمانی حج چند روز است.

دوم این که در نماز در جایی دور از کعبه و رو به کعبه ایستاده ایم و در حج در کنار کعبه و در حال جنب و جوش و حرکت و جابجایی و خواب و بیداری هستیم و این دوّمی به زندگی واقعی و عینی ما نزدیکتر است تا اولی.

سوم این که ما در اینجا هم مثل نماز که با نیت و تکبیر آغاز و اعلام می کنیم، نیت می کنیم و لبیک می گوییم و به دعوت خداوند خانه، که ما را به خانه خویش میهمان کرده و فراخوانده پاسخ مثبت می دهیم و مانند کبوترهایی که با بال های خسته، از راه دور به ایران و بر بام صاحب خانه خود رسیده باشد، زیر لب تلبیه می خوانیم و سرود بندگی و دوستی و عشق سر می دهیم و با کندن جامه های چرک آلود گناه و معصیت و شکستن آینه های خودبینی، اشک می ریزیم و رو به جانب کعبه، به راه می افتیم و به هر فراز و نشیبی که می رسیم، عاشقانه و عارفانه با آوازی حزین زمزمه می کنیم، «لبیک، اللهم لبیک، لبیک...»

لباس احرام

واجبات در وقت احرام سه چیز است. یکی نیت، دیگری پوشیدن لباس احرام و سوم تلبیه. یکی از لوازم و واجبات احرام، پوشیدن دو جامه احرام برای مردان است که یکی لُنگ است که به کمر می بندد و دیگری رِدا که باید بر دوش انداخت. البته تأکید شده که زائر، قبل از نیت احرام و گفتن لبیک لباس را بپوشد. در پوشیدن جامه احرام احتیاط واجب آن است که نیت کند و قصد اجابت امر الهی و اطاعت او کند و احتیاط مستحب آن است که در کندن جامه دوخته هم نیت و قصد اطاعت کند.

احرام از نظر عرفانی

کندن لباس دوخته به هنگام احرام به معنای بیرون آمدن از جامه گناه است، چنان که پوشیدن لباس احرام به معنای پوشیدن جامه و لباس طاعت است. فقط گناه نکردن، مهم نیست؛ بلکه مهم، اطاعت کردن است. لذا حاجی که لباس احرام و اطاعت بر تن می کند، در واقع لباس گناه را از خود دور می کند. لباس احرام نمودی از روز مرگ و قیامت است که در آن روز افراد، کفن بر تن می کنند و اسرار قیامت در مناسک حج متجلی می شود. با لباس احرام امتیازات ظاهری افراد و هر گونه برتری طلبی و فخرفروشی از بین می رود. بنابراین هم چنان که هر یک از اعمال حج دارای اسراری می باشد، پوشیدن این دو جامه هم اسراری دارد.

لباس مرگ و قیامت

آیت الله عبدالله جوادی آملی در این زمینه گفت: این که لباس دوخته را از تن بیرون می آورید، یعنی آن لباس گناه و عصیان را که تا کنون تار و پود آن را بافتید و دوختید و در بر کردید، بیرون آورید و گرنه چه فرقی است بین لباس دوخته و نادوخته؟ پس این‌ها همه سرّ حج است. البته چنین نیست که عبادت در لباس دوخته قبول نباشد، چون انسان در طول سال در لباس دوخته نماز می خواند و عبادت می کند.

وی افزود: اما در حج قبول نیست و این برای آن است که می خواهند اسرار حج را به انسان تفهیم کنند که او روزی را هم در پیش دارد که با لباس ندوخته وارد آن روز شود و آن، روز مرگ است که کفن در بر می کند و قیامت با همان کفن ظهور و حضور پیدا می کند؛ چون می خواهند اسرار قیامت را در مناسک و مراسم حج تجلی دهند، از این رو فرموده اند لباس ساده در بر کنید که هر گونه فخر برطرف شود. لباس نادوخته، یعنی لباس احرام بپوشید تا سفر مرگ در نظرتان مجسم شود و مسأله مردن و قیامت در حضورتان حاضر باشد.

محرمات احرام

پس از انجام احرام برخی اعمال بر محرم حرام می شود که اصطلاحاً این اعمال را مُحرّمات احرام، می نامند که شامل ۲۴ مورد است و به سه بخش تقسیم می شود:

اول، محرمات مخصوص آقایان که شامل زیر سایه رفتن در حال حرکت، پوشاندن سر، پوشیدن لباس دوخته و پوشیدن کفش یا چیزی است که تمام روی پا را بپوشاند. دوم، محرمات مخصوص بانوان که شامل پوشاندن صورت و پوشیدن زیور برای زینت است.

سومین بخش مُحرمات مشترک بین مردان و زنان است که شامل استفاده از بوی خوش، نگاه کردن در آینه، زدودن مو از بدن، کرم زدن و روغن مالیدن، سرمه کشیدن به چشم، انگشتر به دست کردن برای زینت، جدال، فسوق، بیرون آوردن خون از بدن، کشتن حشرات و جانوران ساکن در بدن، ناخن گرفتن، کندن درخت و گیاهان حرم، شکار کردن، عقد کردن زن، لذت

مفقودی ارومیه

برگ سبز سندکمپانی و کارت ماشین خودروسواری سیستم: جک تیپ:J4-CVT مدل ۱۴۰۲ به رنگ سفید روغنی و شماره موتور HFC4GB2.3DP0002577 و شماره شاسی NAKNFV523PB118239 و شماره انتظامی ۱۷ایران ۶۱۲ب۱۵ بنام علیرضا بهروزی فرزند حسین به ش.ش ۳۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.